خبرها

تظاهرات گسترده در اعتراض به نتایج انتخابات مکزیک

ایسنا: آندره مانوئل لوپس اوبرادور کاندید چپ گرای ریاست جمهوری مکزیک همزمان با حضور در دادگاه برای اعتراض به آنچه تقلب انتخاباتی نامیده است، طرفداران خود را به انجام اعتراضات مسالمت آمیز فراخواند. پس از این فراخوان بیش از ۴۰۰ هزار نفر در مکزیکوسیتی به نتایج انتخابات اعتراض کردند. اوبرادور که شهردار سابق مکزیکوسیتی است، امروز با حضور در دادگاه انتخاباتی مکزیک نسبت به ادعای خود مبنی بر تقلب در انتخابات ریاست جمهوری این کشور اقامه دعوی خواهد کرد و خواستار بازشماری ۴۱ میلیون آرای ماخوذه خواهد شد. بر اساس قانون اساسی مکزیک، تا زمانی که دادگاه نسبت به ادعای اوبرادور حکم نهایی را صادر نکند، فیلیپه کالدرون رئیس جمهور منتخب معرفی نخواهد شد. حکم نهایی دادگاه تا روز ششم سپتامبر (حدود دو ماه دیگر) اعلام خواهد شد. در همین حال نمایندگان ناظر اتحادیه اروپا در این رابطه اعلام کردند هیچ مورد مشکوکی در شمارش آرا دیده نشده است. بر اساس اعلام نتایج نهایی انتخابات، اوبرادور با ۲۴۴ هزار رای کمتر نسبت به کالدرون رقابت برای تصدی سمت ریاست جمهوری مکزیک را واگذار کرده است.

آغاز رسمی مذاکرات دولت اسپانیا و اتا

ایرنا: مذاکرات حزب حاکم سوسیالیست اسپانیا با سازمان جدایی طلبان باسک (اتا) برای دستیابی به صلح و پایان دادن به ۴۰ سال نبرد مسلحانه در این کشور به طور رسمی آغاز شد. کمتر از یک هفته از زمان اعلام رسمی «خوسه لوییس رودریگس ساپاته رو» نخست وزیر اسپانیا مبنی بر اینکه دولت، آتش بس دائمی اعلام شده از سوی اتا را پذیرفته و مذاکرات خود را با آنان آغاز می کند، مطبوعات اسپانیا گزارش دادند که نخستین نشست در این زمینه روز جمعه برگزار شده است. این ملاقات توسط مسئولین حزب سوسیالیست باسک و حزب غیرقانونی اعلام شده باتاسونا، شاخه سیاسی اتا صورت گرفت. حزب سوسیالیست در نخستین نشست، شرط تداوم گفت وگوهای سیاسی خود را با باتاسونا بر این اساس قرار داد که این حزب باید اقداماتی برای قانونی شدن خود انجام دهد. از سوی دیگر، حزب محافظه کار «مردمی» اسپانیا بار دیگر مخالفت خود را با سیاست دولت در رابطه با اتا و آغاز مذاکرات با این گروه اعلام داشت.

پیشرفت در مذاکرات اتحاد قبرس

ایسنا: سران رقیب دو بخش یونانی و ترک نشین قبرس پس از گفت وگوهای موفق نیکوزیا که با میانجی گری سازمان ملل برگزار شد، به یک توافق «قابل توجه» در زمینه ازسرگیری روند متوقف شده اتحاد قبرس دست یافتند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، ابراهیم قنبری فرستاده سازمان ملل پس از گفت وگوهای سه روزه تاسوس پاپادوپولوس رئیس جمهور بخش یونانی نشین و محمدعلی طلعت رئیس بخش ترک نشین قبرس بیانیه ای را قرائت کرد. در این بیانیه عنوان شده دو طرف توافق کرده اند که هرچه سریعتر روند رسیدگی به مشکلات جاری را آغاز کنند. هم چنین قرار است مشکلات ریشه ای تر با همکاری و هماهنگی هر دو طرف حل شود. قنبری این نشست را یک رویداد تاریخی توصیف کرد و گفت دو طرف تعهد خود را برای اتحاد قبرس بر اساس یک راه حل دو منطقه ای و فدرالی از سوی دو طرف که شامل تساوی سیاسی برای همگان است، اعلام کردند.

یوشچنکو: نمی خواهم اپوزیسیون باشم

ایلنا: رئیس جمهوری اوکراین اعلام کرد که نمی خواهد با استفاده از فشارهای دموکراتیک در جناح مخالف پارلمان اوکراین حضور داشته باشد. ایتارتاس گزارش داد که «ویکتور یوشچنکو» رهبر حزب «اوکراین ما» پس از ائتلاف احزاب مخالف دولت کنونی اوکراین گفت: «نمی توانم تصور کنم که حزب اوکراین ما در جناح مخالف باشد.» او افزود: «فشارهای دموکراتیک تنها راه تصمیم گیری است و مذاکرات را دشوار می کند و این فشارها اثرات منفی بر نتایج خواهد داشت.» او گفت: «از انتخاب الکساندر موروز رهبر حزب سوسیالیست اوکراین برای احراز سمت رئیس مجلس شگفت زده شدم. او یکی از متحدان یولیا تیموشنکو بود.» یوشچنکو افزود: «این اقدام برای من غیرقابل توصیف است. من نمی خواهم در اوکراینی زندگی کنم که شرایط آن مانند دو سال گذشته باشد.»

قدرت مطلق در دستان دوقلوهای افسانه‌ای لهستان

سهیلا قاسمی

در حرکتی ناگهانی که البته از زمان به قدرت رسیدن محافظه کاران راستگرا در لهستان تبدیل به امری عادی شده، جمعه شب کازیمیرز مارسینکیفسکی نخست وزیر لهستان بدون ذکر دلایل استعفا داد. او درست چند لحظه پیش از این اقدام سفر خود به کرواسی را لغو کرده بود. حزب حاکم قانون و عدالت بلافاصله در بیانیه ای اعلام کرد که کمیته سیاسی این حزب یاروسلاو کاچینسکی ۵۷ ساله، برادر دوقلوی رئیس جمهور لخ کاچینسکی را برای این پست پیشنهاد می کند. انتصاب او چندان دشوار نمی نماید چرا که طبق قانون اساسی لهستان رئیس جمهور باید این پیشنهاد را بپذیرد. تحلیلگران می کوشند که دلیل این استعفای ناگهانی را توجیه کنند. چرا که وی به رغم محدودیت های اعمال شده از سوی رئیس جمهور و برادرش از محبوبیت بالایی در میان عموم برخوردار بود. برادر رئیس جمهور یا مرد سایه که همیشه پشت پرده را ترجیح می دهد برخلاف مارسینکیفسکی از محبوبیت چندانی برخوردار نیست. احزاب مخالف و رسانه های لهستان مدت ها بود که از اختلاف میان نخست وزیر و حزب حاکم خبر داده بودند. او چندی پیش مشاور اقتصادی خود پاول وژسیچفسکی را به عنوان وزیر دارایی منصوب کرده بود که این امر به مذاق رئیس جمهور و برادرش که رئیس حزب حاکم است چندان خوش نیامد.

پنجشنبه شب نیز وی با دونالد تاسک رهبر حزب لیبرال، اصلی ترین اپوزیسیون کشور نیز بحث و درگیری داشت. نسخه لهستانی هفته نامه نیوزویک چندی پیش نوشته بود: «نخست وزیر آزادی عمل ندارد. برادران کاچینسکی به دنبال تغییراتی انقلابی در لهستان هستند و او مانعی برای آنها محسوب می شد.» لخ والسا که برادران کاچینسکی از مدت ۴ سال پیش همفکر و دوست او هستند نیز چندی پیش گفته بود: «یاروسلاو کاچینسکی هرچه زودتر باید نخست وزیر شود. از ابتدا نیز لزوم این امر کاملاً واضح بود. اما یاروسلاو همیشه دوست دارد دست به حیله بزند. اما مارسینکیفسکی را از اول فریب داد و حالا نیز او و برادرش قصد دارند او را تضعیف کنند.» اما برخی کارشناسان معتقدند که تصمیم این دو برادر ممکن است به ضررشان تمام شود. جمعه شب به محض اعلام استعفای نخست وزیر ارزش ژلوتی واحد پول لهستان به شدت افت کرد. این در حالی است که بسیاری از کارشناسان اقتصادی مارسینکیفسکی را تنها کسی از دولت می دانستند که بازار، اقتصاد و جهان خارج را درک می کند.

■ دو قناری محافظه کار

«برادرم و من، من و برادرم، اغلب بیش از بقیه حق با ما است.» در این جمله که روزی لخ کاچینسکی در همایش حزب محافظه کار لهستان بر زبان آورد، همه آنچه لازم است گفته شده است. این عبارت از طرفی نزدیکی دو برادر دوقلو را که از نظر جسمانی کاملاً شبیه هم هستند نشان می دهد - فقط خال روی گونه یکی از آنها است که باعث می شود بتوانیم آنها را از هم تشخیص دهیم - و از طرف دیگر نشان می دهد که آنها چقدر از خود و از اینکه سرنوشتی ملی به آنها سپرده شود مطمئن هستند. لخ و یاروسلاو با موهای خاکستری کوتاه و تاب دار دو محافظه کار کهنه کار عرصه سیاسی لهستان هستند که قدرت را به خود منحصر کرده اند. یکی کاخ ریاست جمهوری را در اختیار دارد و دیگری به زودی به مقر رئیس دولت نقل مکان خواهد کرد. لخ از سال ۲۰۰۱ شهردار شهر ورشو بود و روز ۲۳ اکتبر توانست سومین رئیس جمهور لهستان دموکراتیک شود. لخ والسا (۱۹۹۵-۱۹۹۰) و الکساندر کواژینفسکی (۲۰۰۵-۱۹۹۵) پیش از او عهده دار این منصب بودند. یاروسلاو که ۴۵ دقیقه پیش از برادرش متولد شده قوی ترین رهبر در تاریخ حزب محافظه کار قانون و عدالت (PiS) است؛ حزبی که در انتخابات پارلمانی ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۵ نیز پیروزی را از آن خود کرد.

اما نظرسنجی های سال گذشته حاکی از این بودند که حکومت دوقلوها، لهستانی ها را دلسرد خواهد کرد. یاروسلاو کاچینسکی نیز این مسئله را درک کرده بود و به همین دلیل برای اینکه راه رسیدن برادرش به ریاست جمهوری را سد نکند، گفت: «اگر برادرم لخ رئیس جمهور شود تحت هیچ شرایطی حاضر نیستم نخست وزیر شوم. چنین کاری از نظر جامعه کاملاً غیرقابل قبول است.» اما این کار از خودگذشتگی برادرانه بود یا حسابگری سیاسی؟ دو «قناری» - این لقب به خاطر تشابه آوایی نام خانوادگی آنها با کلمه قناری در زبان لهستانی به آنها اطلاق شده است - شاید هم به خاطر هیکل گرد و صدای تودماغی شان تصمیم گرفتند در آن زمان هر دو با هم در صحنه سیاسی کشور حاضر نشوند. لهستانی ها برای اولین بار دوقلوهای کاچینسکی را در سال ۱۹۶۲ و در سینما شناختند. لخ و یاروسلاو که در سال ۱۹۴۹ در ورشو متولد شده اند ستاره های فیلم موفقی بودند به نام «دو بچه شیطان که ماه را دزدیده اند». در این فیلم آنها با موهای طلایی شان مدام شیطنت می کردند. لخ در کالج نیز شیطنت می کرد و در امتحان ادبیات به جای برادرش سر جلسه می رفت. یاروسلاو نیز در امتحانات علمی جای او را می گرفت. اما این دو در نهایت در دو کالج متفاوت ثبت نام کردند. در دانشگاه هر دو حقوق می خواندند اما لخ تصمیم گرفت به دانشگاه گدانسک در کرانه های دریای بالتیک نقل مکان کند. او در آن شهر ازدواج کرد و تا زمان تصدی اش به عنوان شهردار ورشو در سال ۲۰۰۱ در آنجا ماند. اما برادرش ترجیح داد در خانه قدیمی کوچکشان بماند و بازو در بازوی مادرش یادویگا یکشنبه ها به کلیسا برود.

زندگی خصوص این دو برادر با هم بسیار متفاوت است، اما راه آنها در مبارزه با کمونیسم و میهن پرستی افراطی کاملاً یکی است. پدر و مادرشان نیز در راه احیای ورشو و مبارزه با نازی ها و روس ها مبارزه کردند. مادرشان به آنها یاد داده بود هر شب پس از دعا، سرود ملی لهستان را بخوانند: «لهستان تا وقتی ما زنده ایم نمی میرد...» در سال ۱۹۶۸ لهستان شاهد اعتراضات دانشجویی بود که با سرکوب کمونیست ها مواجه شد. اعتصاب کارکنان نیروی دریایی نیز که ۱۰ سال پیش از تشکیل حزب «همبستگی» صورت گرفته بود با سرکوبی خونین مواجه شد. به این ترتیب یاروسلاو تصمیم گرفت به انقلابیون بپیوندد. دوران جنگ سرد بود و ۳۰ سال به سقوط دیوار برلین مانده بود. در آن زمان حتی تصور ویرانی این دیوار و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی غیرممکن بود. خیلی ها از روی فرصت طلبی و نه از روی اعتقاد، به کمونیست ها می پیوستند. ماسیژ لتفسکی تاریخ نگار سیاسی می گوید: «یاروسلاو متقاعد شده بود که پایان کمونیسم را در زمان حیاتش می بیند و به همین دلیل از زندگی خانوادگی خود چشم پوشید و به KOR (جنبش ضدکمونیستی ای که مقدمه حزب «همبستگی» بود) پیوست.»

برادرش لخ نیز به نوبه خود در گدانسک در اعتراضات فعال بود. او کارشناس حقوق کار بود و اعتصاب کنندگان را هدایت می کرد. فعالیت های او به پیدایش اولین سندیکای آزاد در قلمرو کمونیست ها منجر شد. او که در اولین همایش تاریخی «همبستگی» در سال ۱۹۸۰ نماینده بود تبدیل به یکی از نزدیکان لخ والسا شد. کمونیست ها او را «عامل ضداجتماعی» می دانستند و چند ماه نیز زندانی شد. سپس در میزگرد قدرت - اپوزیسیون در بهار سال ۱۹۸۹ شرکت کرد، میزگردی که مهر پایانی بر کمونیسم به شمار می رفت. اما این روزها توجه به این دو برادر بیش از پیش محسوس است. یان لیتینسکی یکی از سران تاریخی همبستگی می گوید: «لخ تحت نفوذ برادرش است. او وابسته به کمیته دفاع از حقوق بشر هلسینکی در سال های دهه ۱۹۸۰ است و حساسیت اجتماعی و دموکراتیک بسیاری دارد در حالی که یاروسلاو محافظه کارتر از او است. به عنوان مثال او با موضوعاتی مثل حکم مرگ مخالفت می کرد.»

لخ در تبلیغات انتخاباتی اش در کنفرانس مطبوعاتی گفت: «برادرم متفکرتر از من است.» بسیاری می گویند که علاوه بر این، یاروسلاو از پشت صحنه بر کشور حاکم است. انتخاب کازیمیرز مارسینکیفسکی به عنوان نخست وزیر نیز مانوری سیاسی از سوی یاروسلاو بود. او که در زمان انتصابش به هیچ وجه در نظر مردم شناخته شده نبود قرار بود به صورت یک عروسک خیمه شب بازی باشد که رهبر حزب راست ها و برادرش رئیس جمهور با کشیدن نخ ها هدایتش کنند. اما او روز جمعه که استعفا داد محبوبیت ۷۰ درصد افکار عمومی را به خود اختصاص داده بود.

کاچینسکی ها کاتولیک هستند. لخ زمانی که شهردار ورشو بود برای مرگ پاپ ژان پل دوم در شهرداری چندین مراسم باشکوه ترتیب داد. او در بهار همجنس بازی را ممنوع کرد و سه روز پس از آن اجازه داد جوانان ناسیونالیست راهپیمایی برگزار کنند و همه را به زندگی عادی دعوت کنند. او در تبلیغات انتخاباتی خود نیز از احترام به ارزش های سنتی لهستان داد سخن می داد. او همچنین یکی از مدافعان قانون سختگیرانه در مورد سقط جنین است. یاروسلاو البته در مقایسه با او بسیار سختگیر است. می گویند او مردی است که به هیچ وجه اهل سازش نیست و نمی توان با او گفت وگو کرد. مشکل این دو در زمینه سیاست خارجی بسیار حادتر است. آنها که به هیچ زبان خارجی ای تسلط ندارند بیشتر انرژی شان را صرف مسائل داخلی کرده اند و از جهان پیرامون اطلاعات زیادی ندارند. یکی از نزدیکان شان می گوید: «آنها نه فاشیست هستند و نه پوپولیست بلکه فقط بسیار محافظه کارند. آنها به سرنوشتی تاریخی می اندیشند. اما در حد و اندازه این رویا نیستند.» اما به نظر می رسد هنوز باید منتظر ماند و دید آیا قادر خواهند بود نام خود را در تاریخ جاودانه کنند و تبدیل به افسانه ای ماندگار شوند.

منابع: لوموند، فیگارو، اکسپرس

با وجود بهبود روابط برلین و واشینگتن

آلمان فاصله با آمریکا را حفظ می کند

گروه بین الملل، ترجمه رضا ثابتی: خیابان های خلوت، ایست های بازرسی بی شمار و گشت های پلیس در زمین و آسمان. اینها تمام آن چیزی است که آلمانی ها از دیدار فوریه ۲۰۰۵ جورج بوش با گرهارد شرودر در شهر ماینس به یاد می آورند. چیزی که در میان این تدابیر شدید امنیتی گم شد، پیامی بود که رئیس جمهور آمریکا امیدوار بود به صدراعظم آلمان برساند. هفده سال پیش هم بوش پدر تلاش کرد در شهر ماینس به آلمان پیشنهاد «شراکت در رهبری» را بدهد.

آخر همین هفته جورج بوش سر راهش به سن پترزبورگ برای شرکت در اجلاس گروه هشت، به دیدار آلمانی ها می رود. مقصد او در آلمان شهر قرون وسطایی استرالساند در ساحل دریای بالتیک است.

روز پنجشنبه پس از استقبال شهردار شهر از بوش و بازدید از یک کلیسای قدیمی، رئیس جمهور آمریکا باید از کنار اجتماع احتمالاً بزرگ مخالفان سفرش، که البته در فاصله ای کاملاً ایمن نگه داشته می شوند، عبور کند. بعد از آن هم در روستای ترینویلر شاگن، جایی که رهبران کمونیست در دیدارهایشان از آلمان در آن حضور می یافتند، در مهمانی باربکیوی آنگلا مرکل صدراعظم آلمان شرکت خواهد کرد.

هدف از این دیدار نشان دادن این مسئله است که به لطف به قدرت رسیدن خانم مرکل روابط آمریکا و آلمان به روزهای طلایی خودش بازخواهد گشت. استرالساند انتخاب خوبی است؛ از نمونه های نادر موفقیت در شرق آلمان. با اینکه نرخ بیکاری بالاست، اما شهردار شهر آن را به مکانی جذاب برای توریست ها بدل کرده و در فهرست میراث جهانی یونسکو گنجانده است.

بیشتر آلمانی ها از اینکه دوران سردی روابط برلین و واشینگتن پس از مخالفت جنجالی گرهارد شرودر صدراعظم پیشین آلمان با جنگ عراق در حال به سر آمدن است، خوشحال هستند. اما هنوز با رفتارهای آزاردهنده و جذابیت های مرگبار آقای بوش کنار نیامده اند. بعضی نگران این هستند که آلمان دوباره بیش از حد به آمریکا نزدیک شود. عده ای از آن می ترسند که آمریکا به تدریج آلمان را هم به جمع ائتلاف موافق با اقدام شدید علیه ایران بکشاند. کسانی هم هستند که از توقع بیش از حد آمریکا از آنگلا مرکل هراسانند.

روابط دو کشور در زمان زمامداری شرودر از سطح صمیمی پیش از آن پایین تر آمده بود و اکنون انتظار می رود بازهم به همان سطح بازگردد. چه بسا در همان دوران هم اتفاقاتی نظیر همکاری دو جاسوس آلمانی در بغداد با سازمان سیا از روابط پشت پرده خوب حکایت می کرد. از سوی دیگر با کاهش محبوبیت «تونی بلر» نخست وزیر انگلیس و به خطر افتادن موقعیت حزب کارگر در این کشور، آلمان می تواند بیش از همیشه به ایفای نقش شریک محبوب آمریکا در اروپا بیندیشد. آشتی جویی مجدد از سوی بوش تا حدی نشان دهنده نیاز مبرم او به پیدا کردن متحدانی در اروپاست. برای به دست آوردن دل آلمانی ها بوش تلاش کرد نشان دهد دلیل مخالفت آنها با جنگ عراق را، هرچند با اظهارتاسف، درک می کند. او در گفت وگویی با یک روزنامه آلمانی گفت: «می توانم درک کنم که بیزاری از جنگ در طبیعت مردم آلمان نهادینه شده است. اکنون مسئله این است که برای رسیدن به اهداف مشترک و مهم چطور باید همکاری کنیم.»

خصوصیات شخصی رهبران البته در این میان نقش مهمی دارد. مرکل به اندازه شرودر برونگرا و پرجنب و جوش نیست، اما با صراحت و نزاکت خاص خود، اطرافیانش را تحت تاثیر قرار می دهد. از سوی دیگر بوش او را به عنوان شاهد زنده پیروزی آمریکا بر سلطه کمونیسم می پندارد: اگر دیوار برلین سقوط نمی کرد، مرکل احتمالاً مشغول تدریس فیزیک در دانشگاه بود. او از فضای آزادی که اندیشه سیاسی را شکل داد، قدردان است و در این قدرشناسی نمی توان هیچ ردی از ضدیت با روحیه آمریکایی یافت. دو رهبر تماس های تلفنی زیادی با هم دارند که گاهی به چند بار در هفته می رسد. چندان بی راه نیست که نزدیکان معتقدند روابط نزدیک آنها را می توان با صمیمیت بین جورج بوش پدر و هلموت کهل صدراعظم وقت آلمان مقایسه کرد.

آیا دوره دیگری از روابط سنتی دو سوی اقیانوس اطلس فرارسیده است؟ بله، اما «کارستن وویت» هماهنگ کننده دولتی همکاری های آلمان و آمریکا معتقد است این اتفاق آنقدر سریع که به نظر می آید نخواهد افتاد. با این حال او معتقد است رفتار سیاسی دو رهبر می تواند این روند را تسریع کند. دوران جنگ سرد به سرآمده است و آلمان دیگر مانند گذشته به آمریکا وابسته نیست. در آن زمان صدراعظم ویلی برانت به هیچ وجه نمی توانست با جنگ ویتنام مخالفت کند. موضوعات زیادی هست که آلمانی ها به هیچ وجه نمی توانند درباره آن با آمریکایی ها کنار بیایند و چیزهای دیگری هم هست که موجب آزردگی آنها می شود. برای نمونه بعید است برلین بودجه دفاعی خود را افزایش دهد؛ مسئله ای که مدت ها است واشینگتن روی آن پافشاری می کند. یا اینکه آلمانی ها به شدت طرفدار چندجانبه گرایی در مسائل جهانی هستند. در حالی که زندان های مخفی سیا در اروپا، برنامه مخفی آمریکا در ردیابی اطلاعات بانکی در سرتاسر جهان و قرارداد هسته ای با هند شواهد علاقه آمریکا به یکجانبه گرایی است. بیشتر آلمانی ها ترجیح می دهند فرانسه متحد آنها در سیاست خارجی باشد و از سوی دیگر بوش از منفورترین روسای جمهور آمریکا در آلمان و اصلاً در تمام اروپاست.

بسیاری از رهبران سیاسی آلمان شدت انتقاد از جنگ عراق را کاهش داده اند. با این حال نسل اعتراض های ۱۹۶۸ و کسانی همچون «یوشکا فیشر» وزیر خارجه شرودر راه دیگری در پیش گرفته اند که نشانی از آشتی فراآتلانتیکی در آن به چشم نمی خورد. روند تصمیم گیری در سیاست خارجی آلمان تحت تاثیر سیاستمداران عملگرا و واقع بین جوان قرار دارد. خود مرکل از آنچه بیشتر آمریکایی ها تصور می کنند، بسیار عملگراتر است. او روابط دوجانبه آلمان را تعدیل کرده است، اما در اصل سیاست خارجی این کشور تغییر چندانی رخ نداده است. در سیاست داخلی هم خطر دست بالا گرفتن توانایی های مرکل وجود دارد. ممکن است در حال حاضر او قوی ترین رهبر اروپایی باشد، اما اگر قرار بر واکنش شدید علیه ایران شود، او باز هم حرفی برای گفتن و تدبیری برای ارائه در کشور خودش و در کل قاره اروپا خواهد داشت؟ از سوی دیگر اگر اصلاحات جاری در آلمان - همانند برنامه بهداشت و درمان که مخالفان زیادی دارد- رای دهندگان را مایوس و سرخورده کند، موقعیت مرکل هم تضعیف خواهد شد. خطر احتمالی و بزرگ روابط آمریکا و آلمان در اینجا نهفته است: آمریکا ممکن است در مسائلی همچون ایران، بالکان و روسیه توقع بیش از حد از آلمان داشته باشد. آنگلا مرکل همزمان با گسترش روابط با واشینگتن با انتقاد صریح از گوانتانامو و درخواست مذاکره مستقیم آمریکا با ایران نشان داده که نقشی فراتر از یک متحد کاملاً مطیع و موافق را بازی می کند. او می داند که نزدیکی بیش از حد به آمریکا قدرت مانور سیاسی او را به شدت کاهش خواهد داد.

منبع: اکونومیست

نگاه کارشناس

رابطه اقتدار داخلی با هیاهوی خارجی

دکتر حسین دهشیار

یکی از وجوه اشتراک اساسی حیطه داخلی و قلمرو بین المللی، سیال بودن ماهیت هر دو جغرافیا است. به لحاظ تغییرات و تحولات مداوم در ساختارهای اقتصادی، الگوهای ارزشی، مناسبات اجتماعی، بنیادهای سیاسی و ظرفیت های تکنولوژیک بدیهی است که به تناسب، توزیع قدرت از یک سو و توزیع هویت از سوی دیگر در هر دو جغرافیا متاثر می شود. با در نظر گرفتن این کیفیت دائمی بازیگران در هر دو حیطه می بایستی به گونه ای رفتار کنند که موقعیت خود را در درجه اول تثبیت کنند و در صورت امکان ارتقا دهند. منابعی که در اختیار بازیگران است چه در وجوه مادی و چه غیرمادی از محدودیت برخوردار هستند. این به معنای آن است که ضرورت فراوانی برای درک الزامات محیط داخلی و خارجی وجود دارد. این بدان روی ضروری است که بازیگر وقوف یابد به اینکه چگونه به استفاده بهینه از منابع در دسترس نائل شود. حرکت در جهت استفاده بسنده محدودیت منابع را به شدت افزون تر خواهد کرد و به همین جهت است که الزام فراوان برای بهره وری بهینه از منابع باید تحقق یابد. منابع در تمامی ابعاد آن یعنی منابع انسانی، روانی، زیرزمینی و مدیریتی مورد توجه است. حال با توجه به محدودیت منابع و ضرورت استفاده بهینه از آن سئوال اصلی این است که اولویت به حوزه داخلی اعطا شود و یا اینکه قلمرو بین المللی در اولویت قرار گیرد. با در نظر گرفتن واقعیات بیان شده گریزی از این سئوال نیست. جدا از اینکه بازیگران کلیدی یا در حال ظهور و یا حاشیه ای برایمان مطرح باشد، آنچه واقعیت تجربی و فلسفی را هر دو به همراه دارد حکم بر این می کند که توجه معطوف به داخل شود. ساختاری دوام می آورد و از توان مبارزه در برابر فشارها و تعارضات برخوردار می شود که ماهیتی اجتماعی و به عبارتی خصلتی متنی داشته باشد. این در مورد بازیگران غیرکلیدی از اعتبار هنجاری دوصدچندانی برخوردار است. اگر اولویت را برای دولت ها بقا بدانیم، عقلانی ترین چارچوب برای دستیابی به آن توجه کردن به فضای داخلی به میزانی بسیار وسیع تر در مقام مقایسه با محیط بین المللی باید بیان شود. چنین واقعیتی در مورد کشورهای غیرمطرح و اصلی ملموس تر است. عدم کارآمدی در داخل در حیطه های مختلف حیات از اقتصاد گرفته تا فرهنگ، اکثر کشورهای غیرغربی را در شرایطی قرار داده است که به شدت آسیب پذیر در برابر فشارهای کشورهای مطرح و سیاست های آنان به نظر آیند. بسیاری از این کشورها منابع بسیار محدود در اختیار را صرف ماجراجویی های خارجی، طرح های بزرگ نمایشی غیرمعقول از نظر اقتصادی و سیاست های هزینه ساز ثبات زدا می کنند. حرکت در این چارچوب بیرون محور منجر به این می شود که این کشورها از تخصیص منابع ضروری برای ارتقای حیات در داخل به دور و از مدیریت مطلوب معضلات و امکانات محروم بمانند. به همین روی است که این کشورها برخلاف آنچه شاید در ظاهر قدرتمندی آنها به نظر آید به گونه ای وسیع شکننده هستند. ناتوانی در صحنه داخلی در از بین بردن مشکلات قومی، نژادی، عدم توانایی در ایجاد فضای لازم برای مشارکت مردم در گستره سیاسی، بی لیاقتی در جلوگیری از گسترده تر شدن فاصله طبقاتی بالاخص در مناطق کلیدی و حیاتی و فقدان بصیرت در چاره اندیشی برای جلوگیری از تخریب ارزش های انسجام دهنده روابط اجتماعی پنجره ضروری و سوق دهنده را برای ورود کشورهای بزرگ در راستای استثمار و بهره برداری آنان از فرصت های به دست آمده به جهت ضعف های ذکر شده فراهم می آورد. آنچه به کشورهایی از قبیل آمریکا، روسیه، انگلستان و دیگر کشورهای بزرگ این امکان را می دهد که سیاست ها و ارزش های خود را به دیگر بازیگران تحمیل کنند، این نیست که بازتاب قدرت فزاینده آنها در قلمروهای مختلف نباید مطرح شود بلکه بیش از هر چیز به علت وسعت کوتاهی ها و ضعف ها در کشورهای غیرغربی است. اینان خود شرایطی را فراهم کرده اند که غرب را در موقعیت متمایز قرار داده است چرا که به جای اینکه منابع را برای بهروزی داخلی استفاده کنند، آن را به قلمرو خارجی سوق داده اند. آنچه غرب را به منزلت امروزی رسانده است این واقعیت است که در ابتدا توجه را معطوف به ایجاد یک زیرساخت مطلوب فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ساختند و به دنبال تحقق یک محیط پویا در داخل توجه را به سوی تفوق در صحنه بین المللی متمایل کردند. با توجه به این مسئله است که امکان آشوب سازی و تحریک در داخل این کشور برای دشمنان آنان نیست. اما اکثر کشورهای غیرغربی کاملاً در جهتی مخالف در حرکت هستند. این کشورها با وجود نداشتن شاخص های قدرت، توجه را معطوف به صحنه بیرونی کرده اند و سعی در ایفای نقشی می کنند که کاملاً با ظرفیت های آنان در تعارض است. ضعف مفرط در داخل در تمامی جنبه ها غرب را در شرایطی قرار داده است که قدرت نفوذ پیدا کند و به تداوم عقب ماندگی این کشورها فرصت دهد. وضع اسفبار کشورهای غیرغربی را بیش از هر چیزی باید در داخل این جوامع یافت و تفوق غرب در این جوامع را نیز باید در درجه اول ناشی از بی کفایتی در مدیریت منابع در کشورهای غیرغربی دانست. بزرگی در صحنه بین المللی در ابتدا نیازمند ایجاد شرایط اقتدار در داخل است. کشورهای غربی این نکته را به دنبال پایان قرون وسطی درک کردند در حالی که بسیاری از کشورهای غیرغربی بعد از ۶۰۰ سال تجربه موفق غرب، هنوز به این درک نایل نشده اند و نابسامانی های داخلی با هیاهو در صحنه بین المللی درصدد مدیریت هستند.

نوبت دوم

آگهی مناقصه

شهرداری کرج در نظر دارد، پروژه تکمیل ساختمان اداری واقع در منطقه ۳ را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط به شرح ذیل واگذار نماید.

۱- رتبه و رشته لازم: ۳ جدید ابنیه

۲- مبلغ پروژه: -/۲/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال.

۳- مدت اجرا: ۵ ماه.

۴- ۵٪ مبلغ کل به صورت نقدی واریز به حساب ۶۰۰۰۶ شهرداری و یا ضمانت نامه بانکی در وجه شهرداری کرج

۵- برندگان نفر اول، دوم و سوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.

۶- سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج است.

۷- شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است.

لذا از متقاضیان دعوت می گردد از تاریخ انتشار دومین نوبت آگهی جهت خرید اسناد مناقصه و ارائه اسناد و مدارک شرکت و رزومه کاری به همراه تقاضای کتبی به اداره پیمانهای شهرداری کرج واقع در میدان شهدا، خیابان شهید بهشتی مراجعه نمایند.

مهلت ارائه اسناد مناقصه با پیشنهاد خود به دبیرخانه شهرداری کرج تا ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۳۸۵/۴/۲۵ می باشد.

در ضمن هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

شهرداری کرج

لحاف پرقو

سایز دو نفره ایتالیایی ۱۸۵ هزار تومان

سایز دو نفره انگلیسی ۱۲۵ هزار تومان

کاور مخصوص لحاف با ست ملحفه ۴۵ هزار تومان

تحویل رایگان (فقط منازل) ۲۲۵۶۳۴۱۰ - ۸۸۰۰۴۴۸۰

شرکت پنجره سازان آریا

- تولید کننده پنجره های UPVC و چوبی
- عایق حرارتی، برودتی و صوتی
- زیبایی و عدم نیاز به رنگ آمیزی
- غیر قابل نفوذ در برابر گرد و خاک و بارندگی

تلفن: ۸۸۷۱۹۲۷۲ - ۸۸۷۱۹۲۸۲

شرق

رسانه بخش خصوصی